

نامه جامعه
فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی
سال چهاردهم - شماره ۱۲۲ - تابستان ۱۳۹۶

ماهیت و منابع علم امام در زیارت جامعه کبیره

معصومه اسماعیلی^۱

چکیده

زیارت جامعه کبیره، روایتی در وصف مقام، صفات و جایگاه امامت است که می‌توان بر اساس آموزه‌های آن، به شناختی جامع از امامت رسید. یکی از صفات امام که در این زیارت به آن اشاره شده، صفت علم امام است. علم امام بر اساس مضمون این روایت، دارای قلمروی گسترده و تام است که از نور وجود ائمه و شئون هدایت‌گری و زعامت آنان سرچشمه می‌گیرد و بازگوکننده دانشی معصومانه و خطاناپذیر است. شأن هدایت و ولایت ائمه، اثبات‌کننده برتری و لزوم أعلم بودن آن وجودهای مقدس است. در این نوشتار با بهره‌گیری از منابع مکتوب کتابخانه‌ای و بر اساس آموزه‌های زیارت جامعه کبیره، این نتیجه به دست آمده است که امام، علم خویش را از قرآن، رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وحی و دریافت از فرشتگان و ارث از انبیای پیشین حاصل می‌کند. بنابراین، امام می‌تواند علم خود را از ملک و روح القدس به صورت وحی و الهام دریافت کند و از انبیای گذشته به ارث برد که راه و روش دسترسی به علوم انبیای سلف در روایات دیگر به تفصیل گشوده شده است.

واژگان کلیدی: علم امام، منابع علم امام، زیارت جامعه کبیره.

۱. استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی، دانش آموخته سطح ۲ جامعه الزهراء ع.

مقدمه

در بحث «علم امام» به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های صفات امام، روایات زیادی نقل شده است. برای نمونه در کتاب *الحججه از الکافی* مرحوم کلینی، علم امام در ضمن ابواب متعددی مطرح شده است. در این کتاب، ۹۳ باب و ۳۶۴ حدیث با روش‌های مختلف، بیان‌کننده ویژگی‌ها، قلمرو و منابع علم امام است. دیگر منابع روایی چون *بصائر الدرجات* نیز شامل بحث گسترده‌ای در این زمینه است، اما از میان روایات شیعه، زیارت جامعه کبیره، روایتی عمیق و زیرساختی در تبیین ماهیت و منابع علم امام، براساس ساختار شخصیتی او در عالم وجود است.

هدف اصلی این نوشتار، بررسی کیفیت علم امام براساس آموزه‌های زیارت جامعه کبیره با روش تحلیلی توصیفی و بهره‌گیری از منابع مکتوب کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات است. با توجه به اینکه بنابر قول متکلمین، ماهیت و قلمرو علم امام، می‌تواند تام یا محدود و نیز معصومانه یا خطاپذیر باشد، این پرسش مطرح می‌شود که مضامین زیارت مأثوره جامعه کبیره، چگونه علمی را برای امام به تصویر می‌کشد؟ امام چگونه وجودی دارد و تفاوت علم او با دیگر انسان‌ها چیست و اینکه علم خود را از چه منابع و سرچشمه‌هایی به دست می‌آورد؟ بدین ترتیب، ماهیت علم امام را براساس آموزه‌های زیارت جامعه کبیره، در دو محور می‌توان بررسی کرد؛ محور نخست قلمرو علم امام بنابر آموزه‌های زیارت جامعه کبیره و دیگری منابع علم امام بنابر آموزه‌های زیارت جامعه کبیره.

رویکرد مقاله حاضر کلامی است و مسئله رایج کلام شیعه در بحث علم امام را براساس مضمون زیارت جامعه کبیره بررسی می‌کند. نگاه نویسنده، عقلی و کلامی است و رویکرد نقلی صرف به این مسئله، مناسب پژوهشی مستقل است.

اعتبارسنجی زیارت جامعه کبیره

بنابر اتفاق نظر علمای امامیه، نخستین بار شیخ صدوق زیارت جامعه کبیره را با سندی معتبر ثبت کرده است و دیگران این روایت را با سند وی مطرح کرده‌اند. شیخ صدوق این زیارت را با یک سند در دو کتاب *من لایحضره الفقیه* و *عیون اخبار الرضا* آورده است. سند زیارت به روایت وی این‌گونه است: «علی بن أحمد بن موسی و محمد بن أحمد السنائی و الحسين بن ابراهیم بن أحمد بن هشام

المکتب - رضي الله عنهم - عن محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن محمد بن إسماعيل البرمكي
قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ التَّخَمِي قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ
بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ... (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۰۵).

علامه مجلسی سند و متن زیارت جامعه را از نظر سند، صحیح ترین؛ از جهت لفظ، فصیح ترین و بر اساس معنی، بلیغ ترین زیارت ها می داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۱۴۴). مرحوم حر عاملی نیز روایت را با وصف دارا بودن اسناد صحیحه نقل می کند (حر عاملی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۲۳) و شهید ثانی معتقد است که صدوق از فردی که مورد وثوق نیست، بی واسطه روایت نقل نمی کند (شهید ثانی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۳). در واقع، زیارات دوگونه اند: گاه خطاب زیارت، به یکی از ائمه علیهم السلام است که صفات و ویژگی های آن حضرت را برمی شمارد و زیارت هایی چون زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا از آن دسته اند و گاه متن زیارت، کلی و عام است و هر امامی را می توان با آن زیارت کرد که زیارت هایی مثل *امین الله* و زیارت جامعه کبیره از این دسته اند. زیارت جامعه کبیره، روایتی جامع در شناخت شأن و جایگاه اهل بیت علیهم السلام در نظام خلقت است که موسی بن عمران بن یزید نخعی از امام هادی علیه السلام نقل کرده است. به عبارت دیگر، حدیثی از معصوم در شأن معصوم است که او را به عنوان جایگاه معرفت خدا، منزلگاه برکت، معدن رحمت، خازن علم، حافظ سر و انواری در عرش معرفی می کند. ساختار لفظی و مضمونی روایت، انطباق با آیات قرآن و هماهنگی درونی این ساختار، نشان دهنده قوت آن است. به عقیده علامه جوادی آملی، از دو طریق به روایت می توان اطمینان کرد: اول از طریق عدالت راوی یا وثاقت، دوم اینکه متن روایت چنان باشد که صدور آن از غیر معصوم، ممکن نباشد. متن زیارت جامعه کبیره به گونه ای است که صدور آن از غیر معصوم ممکن نیست و خطوط کلی آن با خطوط کلی معارف قرآن که مرجع نهایی در بررسی روایات است، هماهنگی کامل دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۸۸).

قلمرو علم امام بر اساس آموزه های زیارت جامعه کبیره با رویکرد عقلی

امامت از نگاه شیعه امامیه، منصبی موهبی از طرف خداوند متعال است و امام، شخصی است که بر اساس نصب الهی، در این منصب قرار گرفته است. امام با توجه به صفت منصوب بودن، ویژگی هایی دارد که وجود مقدس وی را از دیگر انسان ها متفاوت می کند و زیارت جامعه کبیره به

این موارد اشاره کرده است:

«اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِعَيْبِهِ وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَاعَزَّكُمْ بِهَدَاةِ
وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ (بِنُورِهِ). وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ
وَ حُجَّجَا عَلَى بَرِّيَّتِهِ وَ أَنْصَارًا لِدِينِهِ وَ حَفِظَ لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةَ لِعِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ».

این زیارت در فرازهای مختلف، ائمه را نگهبان دین و دنیا بعد از پیامبر اکرم (ص) معرفی کرده و برای آنان نقش‌های منحصر به فردی قایل است. در عبارت‌های مختلف زیارت جامعه کبیره با انواع تعابیر، ائمه به «رهبران امت‌ها»، «بنیادهای نیکان»، «رهبران سیاسی بندگان»، «پایه‌های کشورها»، «پناهگاه مردمان»، «و پیشروان هدایت‌کننده و «سروران سرپرست» تعبیر شده‌اند و بدون تردید، مقام رهبری دینی و سیاسی امت‌ها نیاز به علمی کافی و وافی دارد تا شایستگی چنین مقامی را به همراه آورد. علم وی باید خالی از خطا و ناتوانی و فراموشی باشد؛ چراکه ستون‌های خداوند بر روی زمین هستند. عبارت‌های زیر سرشار از تعابیر یاد شده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ... وَأَصُولَ الْكِرَمِ وَقَادَةَ الْأُمَمِ وَأَوْلِيَاءَ الْبَيْعَةِ وَعَنَاصِرَ
الْأَجْرَارِ وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ وَسَاسَةَ الْعِبَادِ وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ وَأَمَنَاءَ الرَّحْمَنِ... وَأُولِي
الْحِجَى وَكَهْفِ الْوَرَى.. وَالْقَادَةَ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةَ الْوَلَاةِ... وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ».

همچنین در قسمت‌های مختلف، وجود مقدس اهل بیت (ص)، مایه نجات بندگان و دوری آنان از هلاکت معرفی شده است:

«وَالْبَابُ الْمُتَّبَتَّلِي بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ.... صَلَّى مَنْ قَارَقَكُمْ وَ
فَارَزَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَآمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ».

در اثبات علم تامّ امام، نخست باید گفت که امکان این علم برای امام وجود دارد؛ چون این‌گونه از علوم در میان افراد دیگری هم که واجد مقام امامت نبوده‌اند، وجود داشته است. برای مثال در خصوص ذوالقرنین آمده است که علمی خارق العاده داشته است که امکان تصرف در طبیعت را برای او فراهم می‌کرد. در حالی که بر اساس برخی روایات، او پیامبر نبوده، بلکه یکی از بندگان برگزیده خدا بوده است (قمی، ۱۳۶۷، ص ۴۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵۹). بنابراین، به نحو تمام‌تر می‌تواند در ائمه (ص) نیز جلوه‌گر باشد، از این رو شایسته است مضامین زیارت جامعه برای شناخت نوع و میزان

علم ائمه علیهم السلام بررسی شود. در استدلال بر این مطلب باید گفت که در این زیارت، ارواح مقدس ائمه علیهم السلام به انوار عرشى تعريف شده اند که برای هدایت و زعامت بندگان، بر روی زمین قرار گرفته اند:

«وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيْبَتِكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَظَهَرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْزِيهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ».

بدون تردید چنین انواع وجودی ای می توانند علمی متفاوت از دیگر بندگان داشته باشند؛ امام به عنوان خلیفه رسول خدا باید دارای صفات کمالی و الهی باشد تا از اداره شئون امت عاجز نشود و هوای نفسانی و عقاید باطل در او رسوخ نکند. بنابراین به علمی نیاز دارد که مناسب چنین مقامی باشد و از اداره امور امت و عدل و اصلاح منصرف نگردد و ادای امانت رسول خدا صلی الله علیه و آله ممکن شود و بتواند حجت بر عالم باشد (مظفر، بی تا، ص ۲۳). براین اساس امام نیازمند علم کامل است و بحث کمال علمی امام که ریشه در بحث افضلیت امام دارد، مضمون روایات زیادی را به خود اختصاص داده است و بسیاری از متکلمان امامیه، آن را به عنوان یکی از صفات امام تبیین کرده اند. منازل فضل با دو امر به دست می آیند؛ نخست اعمال بزرگی که استحقاق ثواب ایجاد می کند و دوم فضیلتی که موهبتی از جانب خداست و عقل و سمع، از این فضل پرده برمی دارند (کراچکی، ۱۴۲۷ق، ص ۷). به طور عام، مراد از افضل بودن این است که امام، جامع همه خصایص کمالیه باشد (فاضل مقداد، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶۷). همچنین از آنجا که امت به تعلیم و تأدیب ائمه نیازمندند، أعلم بودن آنها بر امت واجب است (همان). فرازها دلالت بر نوع و گوهر وجودی دیگری دارد و هرگز نمی توان مقدار علم و گوهر وجودی ائمه را با معیارهای دنیوی سنجید؛ چراکه در زیارت جامعه کبیره، میان مدل وجودی آنان و دیگر انسان ها تفاوتی آشکار مطرح شده است:

«وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيْبَتِكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَظَهَرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْزِيهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا) عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلَايَتِكُمْ طَيْبًا لِخَلْقِنَا (لِخُلُقِنَا) وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا».

در این فراز، ارواح ائمه علیهم السلام از نور و موطن آنان عرش خوانده شده است و بر این نکته تأکید صریح

می‌شود که وجود مقدسشان، به صورت منتهی برای انسان هاست و به عنوان وسیله نجات و طهارت بشر، بر زمین نزول کرده‌اند. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که گوهر وجودی آنان از جنسی دیگر است و به همین علت، خزانه داران علم خدا خوانده شده‌اند.

به این موضوع می‌توان از منظر فلسفی نیز نگریست. بر اساس نظام تشکیک وجودی ملاصدرا، وجود، دارای مراتب مختلف است و مرتبه فوقانی، تمام کمالات مراتب مادون را در خویش دارد. وجود برتر، با نام وجود اعلی و اشرف شناخته می‌شود. بر اساس این نظریه، وجود ائمه نسبت به دیگر مردم، وجود برتر و اشرف محسوب می‌شود و نفوس برتر آنان حاکم بر نفوس انسان هاست و دامنه علمی بسیار وسیع‌تری دارند که البته به اذن خدا و از خزانه علم خداوند است. از این رو، وجود آنان در زیارت جامعه کبیره، خزانه علم خدا خوانده شده؛ زیرا خزانه علم، واجد تمام کمالات علمی است. در همین زمینه می‌توان گفت، هر مرتبه وجودی که محیط به مادونش باشد، عرش آن است، چنان‌که عرش روحانی (یا عقل اول) به جمیع حقایق روحانی و جسمانی و عرش جسمانی به جمیع اجسام، محیط است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷). همه عرش‌ها، مظهر عرش اعظم و اسم رحمان است که بزرگ‌ترین اسم خداست: «الرَّحْمَانُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۵). با توجه به این فراز زیارت جامعه کبیره که ارواح ائمه علیهم‌السلام گرداگرد عرش در حرکت هستند و موطن اصلی آنان همان عرصه است، می‌توان به این نتیجه رسید که ارواح ائمه علیهم‌السلام بر ارواح انسان‌ها که در مرتبه مادونند، محیط هستند و از این رو، علمشان محیط بر انسان هاست.

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که مدل علمی آنان با علم خداوند چه تفاوتی دارد؟ در پاسخ باید گفت امام، کون جامع نظام تکوین و تدوین بوده و از این نظر، انسان کامل است و متن زیارت جامعه کبیره، بیان‌کننده صفات کمالی انسان کامل به عنوان مظهر صفات الهی است. بنابراین، کمالاتی را که خداوند به نحو استقلالی و ذاتی دارد، آنان به نحو عرضی و تبعی واجدند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۵۸) و عبارت‌هایی چون «اعلام‌التق، عروة‌الوثقی، نوره، برهانه، صراطه و مصابیح‌الدجی» در این زیارت، بر این مضمون اشاره دارند. تفاوت علم خداوند متعال و امام، از تفاوت واجب و ممکن برمی‌خیزد. خداوند، واجد و فاعل بالذات است و امام، علم بیکران را از طریق موهبت الهی و نه از راه اکتساب به دست می‌آورد (طباطبائی، بی‌تا، ص ۲۰۴).

براین اساس، آموزه زیارت جامعه کبیره، علم تام امام است. در مقدار دانش امام، قدر متقن این است که امام باید به همه علوم دین و احکام حلال و حرام شریعت آگاه باشد تا بتواند هدایت امت اسلام را بعد از پیامبر اکرم ﷺ برعهده گیرد. در واقع، شبهه در دامنه علوم دیگری است که کسب آنها به طرق مختلف طبیعی و الهامی ممکن است؛ مانند علم غیب، علم به صنایع و زبان ها و اسرار نهان انسان ها که دامنه گسترده ای را شامل می شود و مدعای این مقاله نیز علم تام و معصومانه امام است. اعتقاد به تام بودن علم امام، به این معناست که امام به هر آنچه برای غیر خداوند دست یافتنی است، علم دارد و از این رو تمام دانش های جهان در همه زمان ها جز آنچه اختصاص به خداوند متعال دارد، در حیطه علم امام است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۱۹۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۵۷۱ و ۶۳۵). روایات مختلفی دال بر انتقال علم پیامبران به ائمه علیهم السلام نشان دهنده این دیدگاه است (صفر، ۱۴۰۴ق، ص ۱۱۸)؛ البته عده دیگری معتقدند ضرورتی ندارد که امام به تمام دانش های جهان به صورت جزئی و تفصیلی آگاهی داشته باشد (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۴۵؛ آشتیانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۱). حال باید دید موضع زیارت جامعه کبیره در این زمینه را تا چه حد می توان استخراج کرد. زیارت جامعه در فرازهای مختلف، به خزانه داری علم خدا توسط ائمه اشاره دارد که از باب استشهاد، می توان گفت این مضمون در روایات دیگر نیز آمده است. مرحوم کلینی هم در بابی از *الکافی*، شش روایت در همین زمینه آورده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۷۳). نکته مهم اینکه براساس مقدمه *الکافی* می توان دریافت که از نظر مرحوم کلینی، احادیث منقول در *الکافی* از نظر استناد آنها به ائمه علیهم السلام صحیح است (ملاصالح مازندرانی، بی تا، مقدمه مؤلف).

در زیارت جامعه، وجود مقدس ائمه علیهم السلام با عبارت های مختلف، به عنوان خزانه داران علم خدا خوانده شده اند. برای نمونه؛ زیارت جامعه با وصف ائمه علیهم السلام به عنوان خزانه های علم خداوند شروع می شود و دانش آنان جزو اولین صفاتی است که در فراز نخست به آن اشاره شده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خُزَّانِ الْعِلْمِ». عبارت «خُزَّانِ الْعِلْمِ» با الفاظ گوناگون در جای جای این زیارت دیده می شود: «وَ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ .. وَ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ .. وَ عَيْبَةِ عِلْمِهِ .. وَ حَفَظَةِ لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةِ لِعِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعَا لِحِكْمَتِهِ ..»



خزانه داری علم خداوند که صفت اختصاصی ائمه علیهم السلام بوده و در خصوص دیگر بندگان استفاده نشده است، بار معنایی عمیقی را به همراه دارد. علم ائمه علیهم السلام استقلالی نیست، بلکه آنان خزانه دار علم ذاتی باری تعالی هستند. درباره این نکته نیز که علم ائمه علیهم السلام بر اساس این گونه تعابیر، تام یا محدود است، به نظر می رسد خزانه علوم الهی، به دامنه ای نامحدود و بسیار فراگیر دسترسی دارد که با تام بودن علم خداوند سازگار است. دسترسی به بخشی از علم الهی، با اطلاق در واژه ها و فرازهای زیارت جامعه کبیره و روایت ناظر بر آن سازگار نیست، بلکه نیازمند قیدی است که میزان دسترسی ائمه علیهم السلام به خزانه علم الهی را محدود کند و چنین قیدی نیز وجود ندارد. در برخی روایات، نکاتی درباره قلمرو نقل شده است، مثل این عبارت که «إذا أراد الامام أن یعلم شيئاً أعلمه الله ذلك» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۵۸). براین اساس، علم امام با اراده خداوند متعال در اختیار آنان قرار می گیرد.

منابع علم امام بر اساس آموزه های زیارت جامعه کبیره

علم انسان گاه از طریق حواس پنجگانه و به صورت حصولی به دست می آید؛ چراکه ارتباط انسان با جهان خارج، از طریق همین حواس است. انسان با دستیابی به صورت علمی همه اشیا به آنها عالم می شود و با چینش استدلال و ترتیب دادن مقدمات به نتیجه می رسد. در این میان، گاه مقدمه ای را از صورت علمی، انتخاب و مقدمه دیگر را از عقل استخراج می کند و به نتیجه ای عام دست می یابد. این قسم از علوم، علم حصولی نامیده می شود و البته امکان خطا در حواس پنجگانه، موجب امکان خطا در علم حصولی می شود. نوع دیگر علم، علم حضوری است که علم حضوری نفس به خویش، این گونه است و خطا در آن نیست. ائمه نیز مانند دیگر انسان ها از علم حصولی برخوردارند، اما سخن در این است که آیا سرچشمه های نابی برای آنها وجود دارد که با علم دیگر بندگان، متفاوت باشد و منبعی درخور توجه تلقی گردد؟ آیا می توان سرچشمه هایی به جز حواس برای ائمه یافت؟ در روایات گوناگون، به منابع متعددی برای علم اشاره شده است. در مجموع، قرآن، الهام، شهود، روح القدس، خردورزی، رؤیای صادقه، وحی، جفر، جامعه و صحیفه حضرت زهرا(س) از موارد اشاره شده اند و در خصوص هر کدام نیز روایات زیادی مطرح کرده اند. آنچه در این نوشتار آمده است، تنها منابعی است که براساس لسان زیارت جامعه برداشت می شود. این منابع به شرح ذیل است.

۱. قرآن

قرآن به عنوان کتاب آسمانی اکمل، حاوی معارف فراوانی است. چنانکه در این کتاب شریف آمده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹): «و ما قرآن را بر تو نازل کردیم که بیان کننده همه چیز است و برای مسلمانان، هدایت و رحمت و بشارت است.» در این آیه و آیات مانند آن، قرآن وسیله هدایت و آگاهی بخشی برای همه چیز است و در حدیث منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام آمده است که استفاده از قرآن، نیازمند کسی است که حامل علوم قرآن باشد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۲۸). ملا صالح مازندرانی معتقد است که محتوای آیه به این معناست که قرآن، روشن کننده و توضیح دهنده همه چیز است و اگر امام، حامل علم همه قرآن نباشد، آفاتی چون سرگردان کردن خلق، بطلان شرع و انقطاع شریعت پیش می آید و همه این امور به حکم عقل و نقل، باطل است (ملا صالح مازندرانی، بی تا، ج ۵، ص ۳۶۳). در زیارت جامعه، ائمه علیهم السلام حاملان قرآن خوانده شده اند، چنان که آمده است: «وَحَمَلَةَ كِتَابِ اللَّهِ» حمل قرآن، به معنای دربرداشتن معنا و مضامین پنهان و آشکار قرآن است. به عنوان شاهد بر آنچه زیارت جامعه بدان تصریح می کند، روایات مختلفی وجود دارند که علم تام امام به همه معارف قرآن را بیان می کنند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَىٰ آخِرِهِ كَأَنَّهُ فِي كَفِّي، فِيهِ خَيْرُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَخَيْرُ مَا كَانَ وَخَيْرُ مَا هُوَ كَائِنٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ.» «قسم به خدا، همانا من همه کتاب خدا را از اول تا آخر آن می دانم، مانند آنکه قرآن در دست من است. در قرآن، خبر آسمان و زمین و خبر گذشته و آینده وجود دارد. خدای عزوجل می فرماید: در قرآن، بیان هر چیزی هست.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۲۹)

براین اساس، قرآن به عنوان یکی از مهم ترین منابع علمی ائمه علیهم السلام است. دسترسی به علم قرآن، برای ائمه علیهم السلام بدیهی است؛ چراکه آیات قرآن برای نوع بشر و هدایت او نازل شده و بعید است تفسیر آیه ای تنها در حیطه علم خدا باشد. از صحابه و تابعین نیز نقل نشده که در تفسیر آیاتی از قرآن مانده باشند و هرگز از آنان شنیده نشده که تفسیر آیه ای متشابه، تنها در حیطه علم خدا باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ص ۷۰۱).

۰۲. وحی و ملک

به دریافت علم از ناحیه فرشتگان، با الفاظ مختلف اشاره شده است که دریافت از مَلَك، روح القدس از طریق وحی، الهام، نکت در قلب و نقر در اسماع، به همین مضمون برمی‌گردد. در زیارت جامعه این تعبیر با عبارت هایی چون «مختلف الملائکه» و «مهبط الوحي» تجمیع شده است. در فرازی از زیارت جامعه کبیره، ائمه علیهم‌السلام با تعبیر «مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ» ندا داده شده‌اند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ».

عبارت «مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ»، نشان دهنده ارتباط ائمه علیهم‌السلام با ملائکه است و به این مضمون اشاره دارد که وجود مقدس ائمه علیهم‌السلام محل رفت و آمد فرشتگان است. البته باید توجه داشت که واژه «مختلف» به معنای محل رفت و آمد، در جایی صدق می‌کند که رفت و آمد زیادی در آن اتفاق افتد. درباره رفت و آمد فرشتگان نزد امام باید گفت که هرچه در طبیعت وجود دارد، خزانه هایی نزد خداوند دارد که با اندازه‌گیری الهی، از آن مخزن نازل می‌شود: «وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر: ۲۱). همچنین، نزول به معنای تجافی و افکندن نیست، همان‌گونه که صعود به معنای پرتاب کردن نیست، بلکه نزول، از جانب خدا به صورت تجلی است؛ زیرا تنزل دو شکل دارد؛ تنزل مادی که موجودی از مکان اولیه خود جابه‌جا می‌شود و پایین می‌آید و تنزل معنوی که موجود با حفظ مکان اول، در جای دیگر با شکل جدید ظهور می‌یابد. تجلی و ظهور، توسط فرشتگان که مدبران امورند، انجام می‌شود و قلب انسان کامل محل نزول آنان است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۶-۱۲۸). در کتاب الکافی در خصوص عبارت «مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ» حدیث گویایی آمده که می‌تواند مفسر این فراز زیارت جامعه باشد:

«مَا مِنْ مَلَكٍ يَهْبِطُهُ اللَّهُ فِي أَمْرٍ مَّا يَهْبِطُ لَهُ إِلَّا بَدَأَ بِالْإِمَامِ، فَعَرَضَ عَلَيْهِ وَ إِنْ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ».

«هیچ فرشته‌ای را خدا برای امری نازل نمی‌کند، مگر اینکه ابتدا بر امام وارد می‌شود و آن کار را خدمت امام عرضه می‌کند و آمد و شد ملائکه، از جانب خدای تبارک و تعالی به سوی صاحب این امر (حجت خدا) است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۹۴)».

البته ادراک حضور فرشته، با حواس پنجگانه ممکن نیست و خود، نیازمند ادراک و علم خاصی است

که معصومین علیهم السلام از این نوع ادراک برخوردارند. فرق نبی و محدث در همین جاست؛ نبی، ملک را هنگام القای حکم می بیند و محدث به واسطه سماع، از مسئله آگاه می شود و ملک را نمی بیند (مجلسی، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۳۷).

تأکید زیارت جامعه کبیره بر محل نزول ملائکه بودن وجود مقدس ائمه علیهم السلام، نشان دهنده این است که یکی از مهم ترین مصادر علم ائمه، ملائکه اند. عبارت «مهبط الوحی» در زیارت جامعه کبیره، به صراحت ائمه علیهم السلام را محل نزول وحی معرفی می کند. البته میان هبوط و نزول تفاوت وجود دارد. در نزول، جدا شدن از مبدأ، مورد نظر است و در هبوط، غیر از جدا شدن از مبدأ، استقرار آن در مکان دیگر نیز مدنظر است (ابوهلال العسگری، ۱۳۷۰، ص ۵۵۵). بنابراین معنا وجود مقدس ائمه علیهم السلام محل استقرار وحی است. هبوط وحی نیز چون امری معنوی است، به معنای تجلی است، نه تجافی و در خصوص این تجلی، روایات فراوانی وجود دارد؛ با این مضمون که در شب های قدر، ائمه علیهم السلام محل نزول و هبوط فرشتگانند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إن الملائكة يطوفون بنا فينا» (حویزی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۶۳۹). با توجه به اینکه یکی از شواهد صحت روایت، هماهنگی آن با قرآن و سنت قطعی است، می توان به عنوان شاهد و مفسر، به روایاتی در مجموعه های روایی چون کافی و بصائر الدرجات اشاره کرد که در باب های جداگانه، اخباری در تأیید این مسئله آورده اند. در بصائر الدرجات در بابی با عنوان «أن روح القدس يتلقاهم إذ احتاجوا إليه» به این مسئله اشاره شده است که هرگاه ائمه علیهم السلام نیاز به دانشی داشته باشند، روح القدس با آنان ملاقات دارد (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۱) که این روایت، مفسر عبارت «مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ» در زیارت جامعه است. همچنین، کلینی نیز در بابی با عنوان «ذِكْرُ الْأَرْوَاحِ الَّتِي فِي الْأَيْمَةِ» به این مسئله پرداخته است که در پیامبران و اوصیای آنان، روحی به نام روح القدس است که خواب و فراموشی، بر آن چیره نمی شود و آنان از این طریق، به علوم الهی دست می یابند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۶۷۷-۶۸۰ و ج ۳، ص ۶۹۵). عبارت های «مَهْبِطُ الْوَحْيِ» و «مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ» با صفت محدث بودن نیز تفسیر شده است؛ بدین معنا که ائمه علیهم السلام با فرشتگان گفت و گو می کنند و در این گفت و گو، علمی بر دانش آنان افزوده می شود. امام صادق علیه السلام در توضیح محدث بودن امام، به محمدبن مسلم می فرماید: «إِنَّهُ يَسْمَعُ الصَّوْتِ وَلَا يَرِي الشَّخْصَ. فَقُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ! كَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّهُ كَلَامُ الْمَلِكِ؟ قَالَ: إِنَّهُ يُعْطَى السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّهُ كَلَامُ مَلِكٍ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱،

ص ۲۷۱). بدین معنا که امام صوت مَلَك را می شنود، اما او را در هیبت یک شخص نمی بیند، بلکه از آرامش و وقاری که در او ایجاد می شود، صدای فرشته را از غیر بازی می شناسد. درباره محتوای گفت و گو و نزول ملائکه نیز برخی روایات، مضامینی دارند. برای نمونه، امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنَّهُ لَيُنزَلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ إِلَىٰ وَلِيِّ الْأَمْرِ، تَفْسِيرَ الْأُمُورِ سَنَةَ سَنَةٍ. يَوْمَ فِيهَا فِي أَمْرِ نَفْسِهِ بَكَذَا وَ كَذَا وَ فِي أَمْرِ النَّاسِ بَكَذَا وَ كَذَا» (همان، ص ۲۴۸). بر اساس مضمون این روایت، در شب قدر، تفسیر امور، سال به سال برای امام نازل می شود که از آن میان، برخی مربوط به امام و برخی مربوط به دیگران است. بنابراین، محل هبوط وحی و رفت و آمد فرشتگان بر امام، فهم پذیر و تبیین شدنی است.

۳. دریافت علم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در زیارت جامعه کبیره، ائمه وارثان و محل رسالت نامیده شده اند، چنان که آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُحْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهَيْطِ الْوُحْيِ « وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ ... وَ مِيرَاثِ النَّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ ». در این فراز به جایگاه حقوقی و الهی ائمه علیهم السلام اشاره شده است و آنان به عنوان وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده اند که میراث نبوت را به ارث برده اند. باتوجه به آموزه های زیارت جامعه، یکی از منابع علمی ائمه علیهم السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. در تحلیل این فراز می توان به نامه امام رضا علیه السلام به عبدالله بن جندب در تبیین عبارت میراث نبوت اشاره کرد که بر اساس آن مشخص می شود که منظور از عبارت «مِيرَاثِ النَّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ» در زیارت جامعه کبیره، علم آنان است. در این نامه آمده است: «أما بعد فإنَّ محمداً صلى الله عليه وآله كان أميناً لله في خلقه، فلما قبض عليه السلام كتبنا أهل البيت ورثته. فنحن أمناء الله في أرضه، عندنا علم البلى والمنايا ... ونحن أولى الناس بكتاب الله ونحن أولى الناس برسول الله صلى الله عليه وآله ... (كليني، ۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۲۳ و ۲۲۴)؛

اما بعد، محمد صلی الله علیه و آله و سلم امین خداوند در میان خلق بود و هنگامی که روح وی قبض شد، ما اهل بیت وارث او شدیم. پس ما امینان خداوند بر روی زمین هستیم و علم بلایا و منایا نزد ماست و ما سزاوارترین مردم به کتاب خدا و مقدم ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستیم.

بنابر مضمون عبارات فوق، اهل بیت علیهم السلام وارث حضرت رسول صلی الله علیه و آله هستند. باتوجه به روایتی دیگر از *الکافی*، این فراز زیارت جامعه قابل تبیین است. در روایتی از امام باقر علیه السلام، آمده است که جبرئیل دو انار برای رسول خدا صلی الله علیه و آله از بهشت فرود آورد. سپس در ملاقاتی که میان حضرت و امیرمؤمنان علی علیه السلام اتفاق افتاد، امام علیه السلام از او در مورد دو انار پرسید و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اما این یکی، نبوت است که تو از آن نصیبی نداری و اما این دیگری، علم است». بعد از این جمله، انار علم را به دو نیم تقسیم کرد و نیمی را برای خود برداشت و نیم دیگر را به امام علی علیه السلام داد و فرمود: «تو در علم، شریک من هستی و من در آن با تو شریکم» (همان، ص ۲۶۳). این علم، نسل به نسل میان ائمه علیهم السلام انتقال یافت؛ چراکه در ادامه همین حدیث، امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «به خدا سوگند، رسول خدا صلی الله علیه و آله حرفی از آنچه را خدای عزوجل به او آموخته عالم نیست، مگر آنکه آن را به علی علیه السلام تعلیم کرد و سپس این علم به ما می‌رسد» (همان). بنابراین، روشن است که ائمه و اهل بیت علیهم السلام، وارث تمام علوم خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله هستند و هیچ علمی به رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی‌رسد مگر اینکه از طریق او به ائمه منتقل شده است.

۴. دریافت علوم انبیا و اوصیای پیشین

بنابر زیارت جامعه کبیره، میراث انبیای گذشته، به ائمه علیهم السلام می‌رسد. میراث از انبیای گذشته می‌تواند در قالب صحیفه، جفر یا دیگر منابع باشد که در این زیارت، به راه دست‌یابی به علم اشاره نشده، بلکه اصل ارث ائمه علیهم السلام و وصایت آنان مورد نظر بوده است. زیارت جامعه با فرازی آغاز می‌شود که ائمه علیهم السلام را در نسبتشان با نبوت مورد خطاب قرار می‌دهد: «الَسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ». نسبت دادن ائمه علیهم السلام به اهل بیت علیهم السلام به نبوت و موضعی که رسالت در آن قرار گرفته، گویای ارتباط وثیق امامان با وجود مقدس نبوی است. همچنین، در جای دیگری از زیارت، به ائمه با عنوان «... سُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَوْلِيَ الْحُجَجِ وَ كَهْفِ الْوَرَى وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ ...» اشاره شده است. در زیارت جامعه کبیره و بسیاری زیارت‌های دیگر، ائمه علیهم السلام وارث انبیای گذشته معرفی شده‌اند. در این میان، ارث آنها از انبیا مقام علمی انبیاست، زیرا ارث مالی معنا نمی‌یابد. چنان‌که در برخی روایات آمده است هر علمی که به حضرت آدم علیه السلام و دیگر انبیای الهی نازل شد، به آسمان برنگشت و به ارث رسید (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ص ۴۲۹).

نتیجه‌گیری

مقام امامت، مقامی اعطایی از سوی خداوند متعال است و زیارت جامعه کبیره، امام را ورثه انبیاء، استوانه‌های خدا بر روی زمین، محل رفت و آمد فرشتگان و موجب هدایت بندگان معرفی می‌کند. لازمه صفات اعلای امام و وجود نوری و عرشى او، داشتن علمى فراتر از دیگر انسان هاست تا بدان وسیله، اسباب هدایت امت فراهم گردد. امام دارای گستره‌ای وسیع از علم غیر استقلالی است که به اذن خدا به او اعطا می‌شود. برتری وجود او و نوع تفاوت روحی او نیز متفاوت بودن مقدار و نوع دانش او با دیگران را موجب می‌گردد؛ چراکه وجودی برتر و افضل در مراتب وجود، نسبت به دیگر عباد دارد و بر اساس متن زیارت، به سرچشمه‌ها و منابعی دسترسی دارد که امکان علم فراوان و خطاناپذیر را برای او ممکن می‌سازد. امام به تمام معارف قرآن آگاه است و علم انبیاء، بویژه حضرت رسول اکرم ﷺ و امام قبل را به ارث می‌برد. او محل نزول وحی و منزل رفت و آمد فرشتگان است و بنابراین، علم را از طرق غیر مادی و غیر ملموس نیز به دست می‌آورد. این منابع دامنه گستره‌ای از دانش را برای او فراهم می‌آورد تا بتواند پناهگاهی امن برای بندگان باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابوهلال العسگری، معجم الفروق اللغویه، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۰.
۲. آشتیانی، محمدحسن بن جعفر، کتاب القضاء، تحقیق و تصحیح: علی اکبر زمانی نژاد، قم: انتشارات زهیر، کنگره علامه آشتیانی، ۱۴۲۵ق.
۳. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، قم: اسراء، ۱۳۹۰.
۴. حر عاملی، محمدبن حسن، الإیقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة، قم: دلیل ما، ۱۳۷۸ش.
۵. حسن زاده آملی، حسن، ممد المهمم در شرح فصوص الحکم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالتقلین، قم: العلمیه، ۱۳۸۵.
۷. شهید ثانی، مسالك الأفهام، ج ۲، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۳۷۸.
۸. صدوق، محمدبن علی بن الحسین بن بابویه، عیون أخبار الرضا، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
۹. صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، چاپ دوم، قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، معنویت تشیع، قم: تشیع، بی تا.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۳. فاضل مقداد، الانوار الجلالیه فی شرح الفصول النصیریة، مشهد: جمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۲۰ق.
۱۴. فیض کاشانی، محمد محسن، الاصفی فی تفسیر القرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷.
۱۶. کراجکی، محمدبن علی، کنز الفوائد، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۹. مظفر، محمدحسین، علم الامام، تهران: المطبعة الحیدریه، بی تا.
۲۰. مازندرانی، محمدصالح، الکافی (الاصول والروضه و شرح جامع)، تهران: مکتبه الاسلامیه، بی تا.

